



۲۰۱۴/۰۵/۲۰

دوکتور محمد اکبر یوسفی

مکتی بر بعضی از نوشته های غیر دقیق !

درین اواخر در "پوتال افغان جرمن آنلاین" از جانب یک تعداد از نویسندگان محترم فعال، دقیقاً بعد از آغاز "مسابقات انتخاباتی" اخیر در افغانستان، بیشتر از اوقات دیگر، چه احتمالاً با نام "مستعار" و چه با نام اصلی، مطالب زیادی، به نشر رسیده است، که اکثریت متون آنها، مورد سؤال بوده می تواند. اینکه قریب همه بدون ذکر منبع در توصیف و هم در مقابله با همدیگر نیز نوشته اند، موضوع نو نیست. انگیزه و سبب اقدام اینجانب را به تحریر این مکت کوتاه، همین عام گوئی ها و ادعا های نویسندگان، که ممکن "اهداف تبلیغاتی" هم داشته باشد، تشکیل نمی دهد. هیچگاه هدف "جدال" علمی را نداشته و ندارم.

اما به حیث خواننده، به همه و بخصوص برای "جوانان" پیشنهاد می نمایم، تا اگر برای شان امکان وجود داشته و هم "علاقه" داشته باشند، نظرات "انتقادی"، "فیلسوف" معروف "اتریشی - انگلیسی" متوفی، "آقای کارل پوپر" را که در مورد "تیوری های علمی" و "نوام عمر" هر "تیوری" بیان داشته است، در صورتی که تا اکنون در نظر نگرفته باشند، مطالعه نمایند. دانشمند نامدار، که همواره بر "بیان" صریح و قابل فهم تأکید می نماید، تا در مورد آن انتقاد هم شده بتواند، هم چنان خود مدعی است که "تیوری" ها، در نتیجه "حدسیات" و "فرضیه ها"، "فورمولبندی" می گردد، که امکان "ثبوت تیوری" وجود ندارد. به عبارت دیگر تیوری ثبوت نمی گردد. هر "تیوری" تا زمانی، به عمر خود ادامه داده می تواند، که مثال یا ثبوت رد قابل قبول آن، ارائه نشده باشد. در دنیای امروز، یعنی این "مدیا ها" یا "رسانه" های "الکترونیکی" جدید، ضرب المثل قدیمی مردم ما را زنده می سازد، که می گویند: "دروازه های شهر ها بسته شده می تواند، اما دهان مردم نه". بدین معنی که نا ممکن است، که از طریق "مکت" دیگران را معتقد، ساخت. درین "مکت"، برایم یک وظیفه اخلاقی می بینم، ناگزیری است، که بعضی نقاط مشخص، با "نام" نویسندگان یاد گردد.

نویسنده این مطلب معتقد است، که خودش با تعداد کثیری از هموطنان خود، ممکن دارای طرز تفکر متفاوت باشد. اما آنچه با همه وجوه مشترک می بیند، همانا "وطن" مشترک است. درین "بحران"، به اصطلاح مردم ما، "تر و خشک" در آتش می سوزد. جست و جو، برای راه حل، انتخاب راه مقابله نه، بلکه تفاهم متقابل و تبادل واقعیت هاست، در طرح واقعیت ها هم چنان دقت صورت گیرد، که کدام یک از "فکت" ها، به پروسه "علمیت" و "مشی" مفید، یاری می رساند و چه مسائل با چه نوع طرح و در چه زمان، احتمال "ضرر رساندن" را به جامعه، در حالت غلط فهمی خواهد داشت.

جای شک نیست، که در حال حاضر، به طور نمونه، در جهان "غرب"، "فیلسوفان" و دانشمندان بی شمار وجود دارند، که طرز دید و نتیجه گیری های متفاوت از جهان ماحول و جوامع خود دارند، اما باز هم در همه ارزیابی ها، می کوشند، از یک دیگر بیاموزند. در افکار خود، شیوه برخورد اصولی، با دیموکراسی دارند. به حیث یک "رأی" دهنده، هر یک با دقت کامل می کوشد، تا با درک مسؤولیت، "پروگرام های" هر یک از کاندید ها را مطالعه نموده، اصول "رأی دهی سری" را در نظر بگیرد. کسی که خود "کاندید" نیست، نمی خواهد، "اذهان" عامه را "مغشوش" سازد، با وجود آنکه امکانات هم داشته باشد. هرکس باید، خود انتخاب نماید و تجربه از کار خود را، خود حاصل نماید. اما، در جامعه "بحرانی" ما می بینیم، که تا چه حد، دشمنی و تخریب علیه همدیگر، رخ می دهد.

جملات عام، اگر امروز از نظر ما درست جلوه کند، ممکن خیلی دیر بعد "نادرست" بودن آن، ثابت گردد و ممکن انسان ها در پیروی از آن "صدمه" ببینند. شخصیت علمی، "کارل پوپر" در کتاب خود، تحت عنوان، "جامعه باز و دشمنان" آن از "دیموکراسی" در برابر همه نظرات "فیلسوفان" مشهور دنیا، چون "افلاطون، هیگل و مارکس"، در شرایط دشوار، و در هر حالت تا آخر عمر خود، دفاع کرد، انواع "دیموکراسی" ها را به عنوان یک "تجربه" یا "امتحان" می پذیرفت. در هر نوع "دیموکراسی" که به عنوان سیستم "باز" یاد می نمود، قدم به قدم قابل تغییر می نماید و نیازمندی تغییر و تکامل آن را هم تأکید می نمود. از دیدگاه خود، او "سیستم باز و آزاد" را طوری می

خواست، تا انسان بتواند، "آزاد تنفس کند" و "فکر و نظر خود را" بیان نماید و انکشاف داده بتواند. چنین سیستم را در برابر سیستم های "دیکتاتوری" و سیستم های "انحصاری قدرت" مطرح می نمود، معتقد بوده است، که قدرت دولت هر چه "کوچک" باشد، برای انسان ها، بهتر بوده می تواند.

برای اینکه قدرت های "مطلقه"، همه اختیار را در تحت نام قانون در اختیار خود در آورده نتواند، باید در سیستم "دیموکراسی"، نیازمندی به اجراءات، متداوماً به شکل "پیشنهاد" پیشکش گردد. از جانب دیگر، برای هر انسان در جامعه این فرصت، میسر باشد، تا بر نظرات دیگران اثر وارد کرده بتواند، در عین حال مطلع شده بتواند، که دیگران در مورد سرنوشت او و دیگران، چه فکر می کنند. با منطقی و استدلال در برابر "نظرات" نا درست دیگران، بر اساس درک خودش، به توضیح صریح موقف خود می پرداخت، اما در عین زمان در برابر مخالفین نظر خود، از اصول احترام به دستاورد های علمی و آثار فلسفی آنها هم، پیروی می نمود.

انگیزه خیلی جدی برای این نوشته، چند مطلب بوده است، که به عنوان وقایع یا رویداد ها در "پروسه" تاریخی وطن ما محسوب شده می تواند، اگر هر یک ما در مورد حقیقت آن، شک داشته باشیم، لازم است، به تصحیح آن، بپردازیم. حال اگر مطالب، بالترتیب بیان می گردد، با موضوع "تقدم" یک مطلب بر دیگری تلقی نگردد. وقتی اگر، به آرشیف "پورتال افغان جرمن آنلاین" مراجعه نمایم، اینجانب با درگذشت، شخصیت قابل احترام، مرحوم داکتر صاحب عبدالصمد حامد، که در قریب ۱۷ سال اخیر حیات ایشان، "افتخار" شناخت مستقیم از آن شخصیت سیاسی - علمی، متین و قابل قدر داشته ام، خیلی متأثر بوده ام، در حالیکه در هیچ نوع تشکل "سیاسی" و "سازمانی" با ایشان پیوند نداشته ام، با شناخت از جناب ایشان، در عین حال، آن شخصیت عزتمند مرحومی، که اینک دیر شده است، که در میان ما "نیست"، خود از وجوه مشترک نظرات ما و تفاوت ها در طرز دید یک دیگر، به خوبی واقف بوده اند. در تمام عمر روح آن شخصیت قدرمند بی مثال را که در تمام حیاتم، شناخته ام، شاد می خواهم.

با تعجب روزی در یک نوشته یک نویسنده محترم، به نام "ع. حامی"، تحت عنوان: "مکتبی بر نوشته محترم آقای جمال خان" مرور نمودم. با وجود آنکه هیچ نوع "شناخت" از هیچ یکی از "ایشان" ندارم، در حالیکه با جوانب زیاد شیوه بحث ایشان و طرز دید آنها از رویداد های جهان و وطن ما، موافق نیستم ولی، نیاز به "مکتب نوشتن" نداشته ام، اما درین متن، حین مرور، وقتی نام آن دوست بزرگ گرامی را دیدم، مجبور شدم، تا چند سطر را بنویسم. محترم نویسنده، "ع. حامی"، در یک بند اختصاصی، چنین می نویسد:

"آیا شما اطلاع دارید، که در زمان جنگ های تنظیمی کنفرانسی در شهر کویته برای برون رفت از آن فاجعه □ تشکیل شد دانشمند، بیروکرات و سیاست مدار نترس و ملی و مقدر کشور ما مرحوم آقای داکتر صمد حامد در آن جلسه شرکت ورزیده بود. او بدون آنکه بهراسد و یا مانند بعضی ها دلیل موجودیت خود را در گرو جنایتکاران امریکایی بداند، سفیر امریکا برای مسایل افغانستان مقیم پشاور را مخاطب قرار داده می گوید، که شما امریکایی ها نمی خواهید، که جنگ های داخلی در افغانستان خاتمه بیاید و الی شما قادرید، که جلو صدور مواد سوختی عراده جات به افغانستان را بگیرید پس بیایید و لطف نموده مانع صدور مواد سوخت عراده جات به کشور ما شوید، باز خواهید دید، که ملت ما نه تنها قادر خواهد بود، که جنایتکاران جنگی را از افغانستان با دستان خالی و چوب برانند، بلکه رهبری ملی و شایسته ای را برای کشور خود نیز تعیین نمایند. به این خاطر من می گویم، که دولت شما خواهان پایان جنگ در افغانستان نیست. سفیر امریکا او را به جسارت متهم نموده و قدرت تنظیم های جهادی را به رخس می کشد و آقای داکتر صمد حامد از روی استهزاء تائید می کند، که بلی شما ربانی، گلبدین و غیره را دارید، ولی من نمی ترسم چرا که از عمرم نیز چیزی باقی نمانده است."

با شناخت دقیقی که از نظرات شخصیت محترم مرحوم، داکتر صاحب عبدالصمد حامد داشتیم، نه تنها در ۱۷ سال اخیر، بلکه در طول زمان "جنگ" در زمان "حضور قوای اتحاد شوروی" در افغانستان، قابل یاد آوری می باشد، که در ۱۳ سال قبل از شناخت مستقیم، با آن مرحومی، هیچ یکی از مصاحبات ایشان را هم نا شنیده، بیاد ندارم. مطالعات وسیع و عمیق ایشان، از نشرات خارجی، منجمله "آلمانی"، در طول زمان جنگ، این شخصیت محترم، چنان یک صاحب نظر بوده اند، که دستگاه های "بزرگترین" قدرت های جهان، از مخالف تا موافق ایشان، بطور منظم، به نظرات ایشان از هر طریق ممکن، گوش می داده اند.

د پانو شمیره: له 2 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلېکنی د لېکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

در رابطه با کنفرانس کویت، صرف نظر از اینکه، نویسنده تأریخ تدویر این کنفرانس مطلوب خود را ذکر ننموده است، زمانی با مرحوم دکتر صاحب عبدالصمد حامد، حین نشان دادن این "مقطوعه" اخبار "زوید دوپچه ساینونگ" آلمان، (تصویر "مقطوعه" سمت چپ) تأریخ ۱۳ اکتوبر ۱۹۹۴م برای ایشان، در باره "قوای نیوترال" که در متن ذکر شده است، با آن مرحومی صحبتی داشته ام.



(ترجمه خبر اخبار از زبان آلمانی: " افغانستان - سیاستمداران پیشرو در صحبت برای صلح در کویت، اعزام قوای بی طرف ("نیوترال") را پیشنهاد نمودند، که بیشتر ثبات و امنیت را تأمین نمایند. میانجیگر سازمان ملل متحد، "محمود میستیری" از رهبران "مجاهدین" خواست، تا همه احزاب درین پروسه صلح، اشتراک نمایند. ("دی. پی. ای.))

بدون اینکه در باره موضوعات ذکر شده، از جانب آقای "ع. حامی"، دیگر به تفصیل صحبت شود، فقط با شناخت از مقام علمی و دقت در گفتار آن مرحوم، که در سنین جوانی، بحیث رئیس پوهنتون، رئیس تدریسات ثانوی، معاون صدراعظم و والی درین کشور خدمت نمود، هم چنان به دلیل اینکه، از "بهترین حقوق دان ها و دانشمند دیپلوماتیک کشور" و شخصیتی که در تدوین اولین "قانون اساسی" افغانستان، نقش عمده داشته است، نباید، از نام ایشان به هیچ صورت، بدون سند حکایت و یا "نقل قول" صورت گیرد، بخصوص که از نام ایشان، کسی تلاش نماید، تا به مواضع سیاسی خود، استفاده نماید. بر اساس همان قانون اساسی، "دیموکراسی" ده ساله، در افغانستان پیاده شد. حد اقل یک "تجربه" بوده است.



علاوه برین در شناخت عمیقی که آن مرحوم از توازن قوای بین المللی نیز داشته اند، در گفتار "متین" خود، در همه انظار از مهارت و درک دقیق برخوردار بوده، به "پالیسی ها" بطور همه جانبه آگاه بوده اند. تذکر این حرف ها را از "ادرس" داکتر صاحب مرحوم قابل باور نمی توان دانست. مگر اینکه نویسنده اسناد معتبر و غیر قابل رد ارائه بتواند.

از جانب دیگر، اظهارات بعدی این نویسنده که می نویسند:
 " آقای جمال خان می توانید بگوئید، که چرا آقای داکتر صمد حامد را در جلسات مربوط به افغانستان دیگر راه ندادند؟ راستی وجدان، جرئت و علمیت آقای صمد حامد را باید داشت و مانند او در موضع ملی باید قرار داشت، تا مقصرین اصلی را مورد حمله قرار داد و الی جسارت زدن خر بجای پالان او را هر انسان از خود راضی و لفوک کرده می تواند."،
 هم چنان غیر قابل باور است، زیرا در رابطه با مجالس بعدی ایشان، طی مصاحبات "رادیوی" عدم اشتراک ایشان را ذکر نموده اند، اما اگر اختلاف موضعگیری، با سیاست جاری "امریکا" داشته بوده باشند، بنا بر موقف و اعتبار وزینی که مرحوم داکتر صاحب عبدالصمد حامد، در محافل سیاسی بین المللی داشته اند، نیازمند چنین تذاکرات با این شیوه که نویسنده مدعی شده است نبوده اند. البته نویسنده این "نقل و یا "حکایت"، در همچو موارد باید، سند معتبر و شهود بدون غرض احتمالی را بیان می داشتند. این شخصیت بی نظیر، با اندیشه و تفکری که داشته اند، بیشتر از هر کس دیگر و بیشتر از هر یک ما، از خطرات احتمالی آینده، در برابر وطن ما واقف بوده و به ماهیت اصلی "دیموکراسی" و "آزادی" خوب وارد، بوده اند.

صرف نظر از اینکه، اسم محترم "محمد علی سمیع"، هم "مسئول بورد افغانستان در مرکز تحقیقاتی سیاست امنیتی و دفاعی کشور هنگری"، در افاده های ایشان، آنچه در مورد "اقوام" گفته شده است، بیشتر توجه نمایند، که وقتی در یک کتگوری اجتماعی، از نام مشخص یک "قوم"، چون "پشتون"، "تاجک" و غیره، به ارتباط مسائل "سیاسی" و یا "نقش نظامی" یک "قوم" نام می برند، توجه نمایند، که بصورت "عام" برای همه، یک "مشی" سیاسی - ایدئولوژیک، ندهند. هر یک ما، در یک مناسبت "خونی" تولد شده ایم. اما با در نظر داشت، طرز تفکر و اندیشه، روابط خونی، راه اندیشه واحد ما را تعیین نمی کند. اگر یک کس از نگاه خونی یا "نژادی"، مربوط یک گروپ

د پانوی شمیره: له 3 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوئې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

باشد، حتماً نماینده آن گروه نخواهد بود... در هر گروه بین انسان های "بشر دوست" و "نژاد پرست" که در هر "کتگوری" وجود خواهد داشت، باید فرق نمود و یا فرق موجود را دید. ما به وحدت "ملی" بر اساس قانون اساسی، باید توجه داشته باشیم. امید است، اگر مقاله اخیر اینجانب را تا به حال مطالعه ننموده باشند، لطفاً از طریق این "لینک" نظر اندازید.

http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha_PDF/yusufi_hawa_daran_tanzimhai_jehadi.pdf

شما مطمئن باشید، که در مورد مطالب دیگر، که چه نوشته اید، غرض ندارم.

در نوشته محترم "جمال بارکزی"، که هم چنان کمبود نسبی منابع دیده می شود، به همین ترتیب، در باره برداشت های سیاسی و "آیدیالوژیک" احتمالی ایشان، غرضی ندارم. اما آنچه در مورد کنفرانس "بن" و کدام "رای" گیری و نقش "دیپلومات ها" تذکر داده اند، که در گزارشات رسمی به مشاهده نرسیده است، قابل یاد آوری بوده می تواند. بناءً برای اینکه توجه خوانندگان محترم، به مناسبات بین المللی، نیز جلب گردد، در هر کنفرانس بین المللی و مذاکرات، از نگاه تاریخی، فقط همان بخش هایی از مناقشات و مباحثات شامل اسناد تاریخی می گردد، که در مورد قطعنامه یا فیصله صادر شده باشد. یک موضعگیری و یا اطلاعیه از روند "کنفرانس ها"، که نتوانسته باشد، مورد قبول در فیصله نهائی گردد، نه تنها که اهمیتی ندارد، بلکه جزء تاریخ شمرده شده نمی تواند. خلاصه اینکه جز به عنوان افسانه بی اثر، دیگر مفهوم داشته نمی تواند. این گزارش، که از خلال نشرات تهیه شده است، خدمت جناب ایشان تقدیم می گردد.

http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha_PDF/ma_yusufi_conf_petersberg_bonn_wa_afg.pdf

بهتر می بود هر گاه ایشان هم، در اظهارات خویش در مورد یک رویداد، که تابع زمان، "مکان" "مجری عمل" در حادثه و هم "صدمه دیده" و یا "منفعت برنده" بوده می تواند، هم چنان اسناد و شهود را ذکر می نمودند. در غیر آن، قضاوت را به هم و طنان خواننده می سپارم.

پایان

د پانو شمیره: له 4 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ